

به نظر من بازیگری در هیچ قالبی آسان نیست؛ چه در صحنه تئاتر، چه سینما و چه نمایش خانگی و چه تلویزیون. زنده کردن یک کاراکتر در مواجهه با مخاطب به هیچ وجه کار ساده‌ای نیست. علت داشتن ۳ کار در شبکه نمایش خانگی هم صرفاً نقش و سناریو بوده و خیلی به این کار نداشتم که مدیومش نمایش خانگی است یا هر جای دیگری. کاراکترهایی را که در این ۳ کار به من پیشنهاد شد، دوست داشتم و فکر کردم که منجر به اتفاقات خوبی برایم می‌شود.

شما با «رقص روی شیشه» یک تجربه ناموفق در این عرصه داشتید، سریال ادامه پیدا نکرد و همین موضوع در بی‌اعتمادی ساختن مردم نسبت به دانلود این جور سریال‌ها نقش داشت. اگر بخواهید صادقانه جواب بدهید، در صورتی که زمان به عقب برمی‌گشت هم بازی در این کار را انتخاب می‌کردید؟ خیر قطعاً دوباره این انتخاب را انجام نمی‌دادم. حضور در یک پروژه از سمت من باز یگر را اینکه بر اساس نقش، فیلمنامه و کارگردانش اتفاق می‌افتد، در نهایت به قول معروف یک هندوانه در بسته است. چرا که در مسیر ساخت ممکن است بعضی چیزها عوض بشود و هزارو یک عامل در فعالیت من به عنوان بازیگر تأثیر گذار است. من نقشم را در «رقص روی شیشه» دوست داشتم، کست و گروه بازیگران خیلی خوبی داشت و احساس کردم قصه خوبی هم وجود دارد و می‌تواند اتفاق خوبی بیفتد، ولی نهایتاً آن هندوانه در بسته باز شد و دیدیم به جای سرخ، سفید است.

حالا این هندوانه در بسته در تجربه سوم شما سرخ بود! حسن سریال «کرگدن» این است که به قول خودتان یک گروه در چه یک بازیگری کنار هم جمع شدند و شما در پستی نوشتید که کم این اتفاق پیش می‌آید. فکر می‌کنید دلیل این کم اتفاق افتادن، کم‌شناسی یک بازیگر است یا اینکه در ایران کستینگ و انتخاب بازیگر به بهترین شکل انجام نمی‌شود و معمولاً مدیران تولید و تهیه‌کننده و کارگردانان بیشتر در گیر حواشی و روابط در انتخاب بازیگر برای نقش هستند؟

در مورد کستینگ سریال «کرگدن» در پروژه انتخاب بازیگران، تهیه‌کننده و کارگردان ریسک بزرگی انجام دادند و پیش رفتن بر خلاف جهت انتخاب بازیگری که در شبکه نمایش خانگی رایج شده است، اتفاق جذابی را رقم زد که نتیجه‌اش را هم می‌بینیم که کاملاً از مخاطب جواب گرفته است. بیشتر از اینکه بخواهم به حواشی انتخاب بازیگر و مناسبات پشت صحنه‌ای بپردازم، باید بگویم که متأسفانه در زمینه انتخاب بازیگر اغلب تهیه‌کننده‌ها و کارگردانان ترجیح می‌دهند از نسخه‌هایی که پیش از این جواب داده استفاده کنند و تجربه جدیدی نداشته باشند و ریسک رانندگی دارند. اما در «کرگدن» تهیه‌کننده و کارگردان انتخاب کردند کار جدیدی انجام بدهند و پای این تصمیم هم ایستادند و به نظر من کار جذابی شد.

بنابراین فیلم و سریال خارجی هم زیاد می‌بینم و سعی می‌کنم از آن‌ها یاد بگیرم و به فراخور نقش از یافته‌هایم استفاده کنم.

به نظر می‌رسد بعد از سال ۱۳۹۶ و فیلم «پایان خدمت» تصمیم گرفتید در سینما انتخاب‌های خیلی دقیق‌تری داشته باشید و با وسواس بیشتری حرکت کنید. این تلنگر به شما به واسطه چه اتفاقی بوده و چه شد که مسیر نقطه‌گذاری شده‌تری را برای خود در نظر گرفتید؟ پیشنهادات بیشتری به شما می‌شد یا برای گرفتن نقش خوب صبر بیشتری داشتید؟

هر بازیگری در شروع کار و فعالیتش در ابتدا تلاش می‌کند توانایی خودش را در نقش‌های مختلف نشان بدهد. من هم از بدو ورود به سینما این تلاش را کردم و وقتی به یک نقطه‌ای رسیدم که احساس کردم جامعه سینمایی من را به عنوان بازیگری که از پس ایفای نقش و کاراکترهای متفاوت برمی‌آید، پذیرفته است؛ دیگر تلاش کردم حساب شده‌تر نقش‌ها را انتخاب کنم و انتخاب‌های متفاوت‌تری داشته باشم. می‌خواستم نقش‌هایی را بپذیرم که بعد دیگری از توانایی‌هایم را نشان دهد و برای همین دیگر به نقشی رانمی‌پذیرم تا بتوانم بیشتر خودم را تثبیت کنم.

چندین نقش مکمل خیلی خوب در لیست کارهای شما دیده می‌شود که ممکن است از یک لحاظ خیلی مفید باشد، اما این باعث نشده که پیشنهاد نقش اصلی شما کم شود؟ آیا به عنوان یک بازیگر جوان طول نقش برایتان مهم است و نحوه قرارگیری نامتان در تیتراژ یا این چیزها خیلی هدفتان نیست؟

بله خدارا شکر بخت یارم بوده است و توانستم نقش‌های مکمل خوبی را در کارنامه‌ام ثبت کنم که نتیجه اعتماد کارگردان‌ها به من بوده است. اما باید بگویم که قبل از هر چیز فیلمنامه و کاراکتر برای من مهم است؛ اینکه قصه خوب باشد و نقشی به من پیشنهاد شود که تا به حال بازی نکرده باشم و حرفی برای گفتن داشته باشد. طول و عرض نقش برایم تعیین‌کننده نیست، عمق آن مهم است؛ اینکه در سیر فیلمنامه چه اتفاقی می‌افتد، نقش در چه فیلمنامه‌ای تعریف می‌شود و کارگردان کیست. این‌ها ملاک من برای انتخاب یک نقش است و طبیعتاً از یک جایی به بعد به واسطه پیشینه و سابقه‌ای که ایجاد شده است، جایگاه در تیتراژ هم مهم خواهد شد.

خیلی‌ها می‌گویند که در حال حاضر کار در شبکه نمایش خانگی و تلویزیون اینترنت‌تری راحت‌تر است، چرا که هم دستمزد خیلی بیشتری در یافت می‌کنیم، هم مخاطب زیادی داریم و هم کار به نسبت سینما آسان‌تر است. آیا شما این دیدگاه را قبول دارید؟ آیا تجربه ۳ سریال در این مدیوم اتفاقی بوده یا کار در این مدیوم را بیشتر از سینما و تلویزیون دوست دارید؟



من همیشه تلاش می‌کنم که جنس بازی ام رئال و نزدیک به آدم‌های واقعی اطرافم باشد. سعی می‌کنم جوری مقابل دوربین بازی کنم که وقتی مخاطب با بازی من روبه‌رو می‌شود، بخشی از خودش را پیدا کند. برایم مهم است که بتوانم آنچه تمام‌نمای همان جنس کاراکتری باشم که آن را بازی می‌کنم

رشته تحصیلی شما گرافیک است و گویا به عکاسی هم علاقه دارید. این بعد از هنر در بازی جلوی دوربین به شما چه کمکی کرد؟ مثلاً شاید جالب باشد که بگویید هنر عکاسی و جلوی دوربین ایستادن در دانستن اینکه چه تصویری از خودتان در بازی ارائه بدهید و صورت و زوایای خودتان را بهتر بشناسید، کمکی به شما کرده است یا نه؟

من در رشته عکاسی تحصیل نکردم و در واقع نمی‌توانم مرا عکاس نامیدم، اما اینکه تخصصی در عکاسی ندارم، به این حوزه علاقه‌مند هستم. رشته تحصیلی من گرافیک بود که شاید ارتباط مستقیمی با فعالیت من در سینما نداشته باشد، اما یکی از شاخه‌های هنر است که با ذوق، سلیقه، ترکیب‌بندی و کمپوزیسیون سروکار دارد و طبیعتاً وقتی کسی در یکی از شاخه‌های هنر، کاری را به صورت تخصصی انجام می‌دهد یا در آن تحصیل می‌کند، این موضوع می‌تواند در دیگر شاخه‌های هنری هم به صورت ناخودآگاه تأثیر بگذارد و فرد می‌تواند از تخصصش در حوزه‌های دیگر هنری به شکلی وام بگیرد. گرافیک از این حیث در کار بازیگری به کمک من می‌آید.

شما در شکل بازی متعلق به آن گروه از بازیگران زنی هستید که اغراق ندارند و معمولاً خیلی جلوی دوربین با صورتتان بازی نمی‌کنید. این موضوع تعمدی است یا به آن جنس از بازی تعلق ندارد و پیشنهادها آن فرمی را که نیاز به اکت‌های انفجاری دارد و کاراکترهای کاملاً بیرونی است، قبول نمی‌کنید؟

من همیشه تلاش می‌کنم که جنس بازی ام رئال و نزدیک به آدم‌های واقعی اطرافم باشد. سعی می‌کنم جوری مقابل دوربین بازی کنم که وقتی مخاطب با بازی من روبه‌رو می‌شود، بخشی از خودش را پیدا کند. برایم مهم است که بتوانم آنچه تمام‌نمای همان جنس کاراکتری باشم که آن را بازی می‌کنم. در مورد کاراکترهای حقیقی و اصلی که نمود واقعی دارند، سعی می‌کنم دست از اغراق بردارم و خودم را نزدیک به سبک زندگی مردم در آن شخصیت کنم و آن چیزی را ارائه بدهم که باورپذیر باشد. اگر کاراکتر در واقعیت زندگی، نیاز به آن شکل از بازی بیرونی داشته باشد، این کار را انجام می‌دهم و در کل حقیقی شکل گرفتن یک شخصیت با بازی من، از هر چیزی برایم مهم‌تر است.

روند فعلی بازیگری در سینمای جهان هم به همین سمت پیش می‌رود که بازیگر دیگر برای نشان دادن خود جلو دوربین نمی‌ایستد و از هر گونه اغراق خصوصاً در سینمای ملودرام جلوگیری می‌شود. کار بازیگران هالیوود با سینمای اروپا را چقدر دنبال می‌کنید و شیوه آن‌ها تا چه حد روی کار حرفه‌ای شما تأثیر می‌گذارد؟

من کار بازیگران سینمای اروپا و آمریکا را پیگیری می‌کنم، چون حرفه من بازیگری است و باید از روند بازیگری روز دنیا باخبر باشم.

